



آیت الله جوادی آملی: حُسن عاقبت و حُسن خاتمت از بهترین نعمت‌های الهی است

آیت الله جوادی آملی گفت: آنها که ذکر یوسفی دارند از خدا حُسن عاقبت می‌طلبند حُسن عاقبت و حُسن خاتمت از بهترین نعمت‌هاست.

آیت الله جوادی آملی گفت: آنها که ذکر یوسفی دارند از خدا حُسن عاقبت می‌طلبند حُسن عاقبت و حُسن خاتمت از بهترین نعمت‌هاست.

به گزارش خبرگزاری مهر، درس اخلاق هفتگی آیت الله جوادی آملی پنجشنبه این هفته در مسجد احمدآباد شهرستان دماوند برگزار شد.

آیت الله جوادی آملی در این جلسه با استناد به آیات قرآن کریم اظهار داشت: قسمت مهمی از دستورات دین ناظر به این است که انسان از انجام آنها بهره‌ای نبرد. آیا دنیا و آخرت دو جهان جدا و گسسته از هم‌اند یا یک سلسله واقعیت‌هایی است که ظاهرش دنیا و باطنش آخرت است؟ از بخشی از آیات قرآن کریم بر می‌آید که دنیا ظاهر این عالم است و آخرت باطن این عالم.

وی ادامه داد: این طور نیست که دنیا و آخرت دو عالم جدا باشند، این طور نیست که وقتی دنیا کلاً نابود شد، آخرت تازه پدید بیاید، اگر آخرت تازه پدید بیاید که نتیجه این عالم نخواهد بود. بنابراین آنها که ظاهر و باطن هر دو را می‌بینند هم اکنون جایشان را در آخرت مشاهده می‌کنند.

معظم له با بیان این مطلب که قرآن و امام نیز دارای دو بعد ظاهری و باطنی هستند اذعان داشت: اگر آن حقیقتی که ظاهرش دنیاست و باطنش آخرت است به صورت انسان دربیاید می‌شود امام معصوم، به صورت کتاب در بیاید می‌شود قرآن کریم. این قرآن یک ظاهری دارد و یک باطنی، ظاهر قرآن را خیلی‌ها ممکن است بروند در حوزه‌ها درس بخوانند صاحب علم‌الدراسه شوند و ظاهر قرآن را دریابند اما باطن قرآن را تنها همان انسان کامل که صاحب علم‌الوارثه است می‌تواند بفهمد.

وی با ذکر مثالی از تفاوت درک ظاهر و باطن قرآن کریم بیان داشت: وجود مبارک امام صادق(ع) و دیگر ائمه(ع) این فرمایش را دارند که درجات بهشت به عدد آیات قرآن کریم است، این یعنی چه؟ اینکه فرمود درجات بهشت به عدد آیات قرآن کریم است این نمی‌خواهد یک مسئله ریاضی را برای ما حل کند، می‌خواهد بگوید ظاهرش قرآن است اما باطنش بهشت است، به دلیل اینکه در ذیلش فرمود به اهل قرآن می‌گویند بخوان و بالا برو، هر اندازه که با قرآن بودی و هر اندازه قرآن خواندی و به همان اندازه درجات در بهشت بالا می‌رود. اگر درجات بهشت به اندازه آیات قرآن کریم است هر اندازه ما در خدمت قرآن بودیم و فهمیدیم، باور کردیم، عمل کردیم و منتشر کردیم، می‌توانیم یک درجه بالا برویم.

وی در فراز پایانی فرمایشات خود به دعای حضرت یوسف در مواجهه با نعمات دنیوی اشاره کرد و بیان داشت: برخی‌ها ذکر یونسی دارند لا إله إلا أنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، که دعای معروفی است اما برخی‌ها ذکر یوسفی دارند؛ وجود مبارک یوسف در تمام آن خطرات آن وقتی که چاه افتاد صبر کرد. آن وقتی که به زندان افتاد صبر کرد. وقتی که به قدرت، عزت و سلطنت رسید عرض کرد پروردگارا رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِمَّا تَوْفَى الْمُسْلِمَ... تَوْفَى الْمُسْلِمَ! جانم را بگیر! اما در حال اسلام. در حال خطر و بیماری انسان تقاضای مرگ بکند هنر نیست؛ اما در کمال قدرت بگوید خدایا جانم را بگیر تفاوت می‌کند! نظر سیدنا الاستاد مرحوم علامه طباطبایی این است که یوسف در آن حال تقاضای مرگ نکرد، بلکه عرضه داشت خدایا! آن توفیق را بده که من مسلمان بمیرم، این سفارش یعقوب و سایر انبیاء بود که فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، آنها که ذکر یوسفی دارند از خدا حُسن عاقبت می‌طلبند حُسن عاقبت و حُسن خاتمت از بهترین نعمت‌هاست.